

حال:

پس از طرح مقدمات فوق، بحث را بر اساس متن کتاب تحریر الوسیله پیگیری می‌کنیم. قبل از طرح بحث لازم است اشاره کنیم که مطابق فرمایش حضرت امام در تحریر الوسیله^۱ نجاسات، ۱۱ عدد هستند (بول و غائط، خون، منی، کافر، سگ، خوک، فقاع، میته، مسکر مایع و عرق شتر جلّاله)، در حالیکه ایشان در بحث طهارات، ابتدا نجاسات را ۱۰ مورد برشمرده و عرق شتر جلّاله را بعداً به آنها اضافه می‌کند.^۲

اما مرحوم سید در عروة، نجاسات را ۱۲ عدد برشمرده و علاوه بر ۱۱ مورد قبل، عرق جنب از حرام را هم به آن ضمیمه می‌کند.

بحث: نجاست بول و غایط

«(مسألة ۱): النجاسات إحدى عشر: الأول والثاني: البول والخُرة من الحيوان ذی النفس السائلة غیر مأكول اللحم ولو بالعارض، كالجلال وموطوء الإنسان. أمّا ما كان من المأكول فإنّهما طاهران. وكذا غیر ذی النفس ممّا ليس له لحم، كالذباب والبقّ وأشباههما. و أمّا ما له لحم منه فمحلّ إشكال؛ وإن كانت الطهارة لا تخلو من وجه، خصوصاً فی الخُرة. كما أنّ الأقوى نجاسة الخُرة و البول من الطیر غیر المأكول.»^۳

ما می‌گوییم:

این مسئله تحریر متضمن مسائل متعددی است:

- (۱) بول و غائط حیوان غیر پرنده دارای نفس سائله غیر مأكول اللحم بالذات نجس است.
- (۲) بول و غائط حیوان غیر پرنده دارای نفس سائله غیر مأكول اللحم بالعارض نجس است.
- (۳) بول و غائط پرنده دارای نفس سائله غیر مأكول اللحم بالذات نجس است.
- (۴) بول و غائط پرنده دارای نفس سائله غیر مأكول اللحم بالعارض نجس است.
- (۵) بول و غائط حیوان (چه پرنده و چه غیر پرنده) مأكول اللحم طاهر است (مطلقاً: چه دارای نفس سائله و چه غیر آن)
- (۶) بول و غائط حیوانی که دارای نفس سائله نیست و لحم ندارد، طاهر است.
- (۷) بول و غائط حیوانی که دارای نفس سائله نیست و لحم دارد، محل بحث است، اگرچه طهارت آن دارای وجه است (و در غائط چنین حیوانی وجه طهارت روشن‌تر است)

۱. ص ۹۴

۲. ص ۴۸۳

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۹



مرحوم سید در عروة می نویسند:

«النجاسات اثنتا عشرة [الأول والثاني: البول والغائط من الحيوان الذي لا يؤكل لحمه] الأول والثاني: البول والغائط من الحيوان الذي لا يؤكل لحمه، إنساناً أو غيره، برياً أو بحرياً، صغيراً أو كبيراً، بشرط أن يكون له دم سائل حين الذبح. نعم في الطيور المحرمة الأقوى عدم النجاسة لكن الأحوط فيها أيضاً الاجتناب خصوصاً الخفّاش، و خصوصاً بوله. و لا فرق في غير المأكول بين أن يكون أصلياً كالسباع ونحوها، أو عارضياً كالجلال و موطوء الإنسان، و الغنم الذي شرب لبن خنزيرة أما البول والغائط من حلال اللحم فطاهر، حتى الحمار و البغل و الخيل، و كذا من حرام اللحم الذي ليس له دم سائل كالسمك المحرّم و نحوه.»^۱

ما می گوئیم:

۱. روشن است که نظر سید در فرض (۳) و (۴) با حضرت امام مخالف است اگرچه در همان جا هم احتیاط می کند (خصوصاً در بول خفّاش)
۲. مرحوم بروجردی و مرحوم عراقی در فرض (۳) و (۴) همانند حضرت امام فتوا داده اند
۳. جالب آنکه مرحوم جواهری و مرحوم نائینی در همین فرض (۳) و (۴)، در حالیکه حکم به نجاست کرده اند، اتفاقاً در مورد خفّاش حکم به طهارت کرده اند.^۲
۴. مرحوم جواهری، حضرت امام، مرحوم بروجردی، مرحوم آل یاسین و مرحوم نائینی در مورد گوسفندی که شیر خوک خورده است، حاشیه ای دارند که: «اگر مقدار شیر خورده به اندازه ای باشد که باعث روییدن گوشت در بدن گوسفند شده باشد». مرحوم آل یاسین اضافه می کند که: این حکم اختصاص به گوسفند ندارد و در گاو و شتر هم جاری است.
۵. در مورد فرض (۷) از فروض تحریر، چنانکه دیدیم حضرت امام، حکم را محل اشکال دانسته بودند، در حالیکه سید آن را پاک می کند. مرحوم حائری، مرحوم حکیم، مرحوم گلپایگانی، مرحوم آل یاسین و مرحوم بروجردی همانند حضرت امام، طهارت را محل اشکال دانسته اند. و مرحوم عراقی فراتر رفته و حکم به نجاست بول و غائط در این فرض کرده است.

^۱ . العروة الوثقى (عدة من الفقهاء)، ج ۱، ص ۱۱۶

^۲ . همان، ص ۱۲۰

